

روزنامه مستقل

دنیای هوادار

www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

شماره ۱۸۰۷

وعده‌های همسان‌سازی در آیین واقعیت؛

بودجه نویسی در غیاب آینده



اینتر

نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا؛

۴-۳



بارسلونا

در دل خروش سن‌سیرو، بارسا غرق شد؛

سونامی افعی

تأملاتی بر نقش شهروندان در ماندگاری تکدی‌گری؛

دلسوزی ناآگاهانه،

خیری است که شر می‌زاید

اصلاح فرآیندهای اداری، ضرورتی برای فردای کرج؛

نوسازی با طعم

واقع‌گرایی

یاد و خاطره شهید، به
ویژه «شهید مهدی
اسماعیلی روزبهرانی» که
۲۳ فروردین ۱۳۹۴ به مقام
شامخ شهادت نائل
گشت، گرامی باد



حملات آمریکا به یمن متوقف می شود

رئیس جمهور آمریکا در دیدار با نخست وزیر کانادا ادعا کرد: «شب گذشته حوثی‌ها اعلام کردند که دیگر با آمریکا نخواهند جنگید. حملات خود به یمن را متوقف خواهیم کرد». «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا شامگاه گذشته در کاخ سفید از «مارک کارنی» نخست وزیر تازه کانادا استقبال کرد. این دیدار در حالی صورت می‌گیرد که ترامپ علاوه بر شروع جنگ اقتصادی علیه کانادا، خواستار الحاق این کشور به آمریکا تحت عنوان پنجاه و یکمین ایالت این کشور شده است. از طرفی، طبق گزارش نشریه «پالتیکو»، برخلاف رسوم دیپلماتیک، دولت ترامپ «سفر کارنی به آمریکا را بی‌اهمیت شمرده و هیچ یک از اصول دیپلماتیک از جمله پهن کردن زیرپایی، رعایت نخواهد شد».



دنیایکسوادار

رویداد

حرف اول

وعده‌های همسان سازی در آیین واقعیت؛

بودجه نویسی در غیاب آینده

مهرداد تیموری

آیا می‌توان آینده‌ای روشن برای جامعه‌ای متصور شد که معلمانش دغدغه نان دارند و بانزشتگان‌ش هر روز فقیرتر می‌شوند؟ اگر آموزش و پرورش را «گران‌بهارترین کالای راهبردی» می‌نامیم، چرا نظام بودجه‌ریزی ما این گنجینه را در اولویت آخر قرار داده است؟ سیاست همسان‌سازی حقوق، وعده‌ای تکراری است یا آغاز ترمیم یک بی‌عدالتی تاریخی؟

نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی، در آیین تجلیل از «۵۰ معلم نمونه استان اصفهان»، از اجرای مرحله اول همسان‌سازی حقوق بانزشتگان و فرهنگیان خبر داد؛ سیاستی که قرار است با اختصاص ۷۵۰ هزار میلیارد ریال از محل افزایش یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده عملی شود. حاجی‌بابایی همچنین به طرح اعطای فوق‌العاده ویژه «۵ درصدی به فرهنگیان اشاره کرد که در انتظار تصویب نهایی است. به‌ظاهر، همه‌چیز نویدبخش است. اما آیا این ارقام و وعده‌ها کافی‌اند؟ و مهم‌تر، آیا ماجرا فقط اعداد و بودجه است؟

طی دهه‌های گذشته، طرح همسان‌سازی حقوق، مانند یک آیه مقدس در گوش نظام آموزشی تکرار شده، بی‌آنکه تحقق آن به معنای واقعی کلمه لمس شود. فرهنگیان، به‌ویژه بانزشتگان این قشر، همواره در پایین‌ترین پله جدول معیشت ایستاده‌اند. آن‌ها که نسل‌ها را تربیت کرده‌اند، خود مجبور به تحمل حداقل‌ها شده‌اند. فرایند همسان‌سازی حقوق اگرچه در ظاهر گامی مثبت است، اما در واقع اگر با نگاه اصلاح ساختاری و پایدار در نظام پرداخت همراه نباشد، به‌سرعت فرسوده می‌شود و به وعده‌ای دیگر بدل می‌گردد که از یاد می‌رود. در تحلیل اقتصادی و مدیریتی، همسان‌سازی حقوق زمانی معنا دارد که به توازن واقعی میان هزینه زندگی و درآمد منتهی شود. تورم در ایران، به‌ویژه طی سال‌های اخیر، از مرز ۴۰ درصد عبور کرده و قدرت خرید دهک‌های پایین و متوسط جامعه را به‌شدت تضعیف کرده است. فرهنگیان و معلمان بانزشته، عمدتاً در همین طبقات جای دارند. حال اگر سیاست‌های همسان‌سازی، تنها

در قالب رقم‌های اسمی یا جبران عقب‌ماندگی گذشته اعمال شود، بدون سازوکار مؤثر برای حفظ تداوم آن در برابر تورم، نه‌تنها کارآمد نخواهد بود بلکه موجب سرخوردگی بیشتر این قشر زحمت‌کش می‌شود. از سوی دیگر، تکیه بر مالیات بر ارزش افزوده برای تأمین بودجه این طرح، اگرچه در ظاهر راهکاری منطقی است، اما به معنای افزایش فشار بر مصرف‌کنندگان نهایی خواهد بود. به عبارت دیگر، هزینه ارتقای معیشت معلمان از جیب همان جامعه‌ای تأمین می‌شود که پیش‌تر نیز بار مالیات غیرمستقیم را به دوش کشیده است. حاجی‌بابایی در سخنرانی‌اش، آموزش و پرورش را حتی بارزتر از پروژه‌های هسته‌ای و سلول‌های بنیادی دانسته است؛ گزاره‌ای که در زبان سیاست‌مداران ایران بارها شنیده‌ایم. اما آیا تخصیص بودجه، سیاست‌گذاری و ساختار اداری ما نیز همین گزاره را منعکس می‌کند؟ حقیقت این است که آموزش و پرورش در ایران همچنان درگیر ناکارآمدی ساختاری، برنامه‌های کوتاه‌مدت، و نادیده گرفتن منزلت حرفه‌ای معلمان است. اگر آموزش «بدیل ندارد» چرا هنوز معلمان با قراردادهای موقت، حقوق‌های زیر خط فقر و مدارس فرسوده دست‌وپنجه نرم می‌کنند؟

در اغلب کشورهایی که توسعه‌یافتگی پایدار را تجربه کرده‌اند، آموزش و پرورش محور اصلی برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بوده است. اما در ایران، هنوز نگاه غالب به معلم، نه به مثابه یک کنشگر اجتماعی و فرهنگی، بلکه به عنوان کارمند اجرایی یک دستگاه دیوان‌سالار است.

معلم: سوزهای اخلاقی در بحران سرمایه اجتماعی

در میانه جامعه‌ای که با فروپاشی اعتماد، فرسایش امید و اضمحلال نظم نمادین دست‌وپنجه نرم می‌کند، معلم، تنها کارگر باقی‌مانده اخلاق عمومی است؛ نه در مقام واعظ، بلکه در نقش زیسته یک کنشگر تربیتی که روزانه با واقعیت‌های دشوار، بی‌عدالتی سیستماتیک و تضادهای «ارزش‌های تدریس‌شده» و «ساختارهای تبعیض‌آمیز» مواجه است. اگر در گذشته این نهاد مدرسه بود که نظم اجتماعی را بازتولید می‌کرد، امروز معلم است که با تن زخمی‌اش در مقابل فرسایش سرمایه اجتماعی ایستاده

سرمقاله

در باب یک تهدید جدی؛

روان‌فروشان با روپوش

روان‌شناسی

نگار سلحشور

در روزگاری که تاب‌آوری روانی جامعه زیر فشارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به‌طرز نگران‌کننده‌ای تحلیل رفته، نیاز به روان‌شناسان حرفه‌ای و متعهد از همیشه جدی‌تر است. اما درست در همین بزنگاه تاریخی، پدیده‌ای بیمارگونه از دل خلاءهای قانونی و نظارتی سر برآورده: «شبه‌روان‌شناسان» یا روان‌فروشان که با استفاده ابزاری از عنوان «مشاور»، بیش از آن که درمان‌گر زخم‌های روح باشند، نمک‌پاشان آن‌اند.

غلامعلی افروز، روان‌شناس برجسته و بنیان‌گذار سازمان نظام روان‌شناسی ایران، در گفت‌وگویی، پرده از ابعاد تازه‌ای از این فاجعه برداشته است؛ فاجعه‌ای که با عنوان ساده‌ای چون «فعالیت بدون پروانه» توصیف می‌شود، اما در واقع، تخریب تدریجی سلامت روان مردم است با ابزارهای فریبنده، زبان ظاهراًصلاح و دریافت‌های نجومی. تعدد مراکز مشاوره‌ای فاقد صلاحیت، و رشد قارچ‌گونه صفحه‌هایی در شبکه‌های اجتماعی با عناوین جذاب «درمان اضطراب در یک جلسه» یا «رسیدن به خود واقعی با ذهن آگاهی در سه گام» فقط نشانه‌ای از یک بازار مکاره است. اما آنچه نگران‌کننده‌تر است، بی‌عملی سازمان‌های مسئول، به‌ویژه سازمان نظام روان‌شناسی، در قبال این هجوم بی‌ضابطه است.

چگونه است که فردی بدون آموزش علمی معتبر، بدون سلامت روان تأییدشده، و بدون پروانه‌ی معتبر، می‌تواند با چند استوری رنگارنگ، خود را «تراپیست» جا بزند و به مراجعان آسیب‌دیده و جویای کمک، راهکارهایی پیشنهاد دهد که در بهترین حالت بی‌اثرند و در بدترین حالت، ویران‌گر؟

افروز مقایسه‌ای تلخ با آمریکا کرده است؛ کشوری که در آن، به‌واسطه نظارت دقیق، کوچک‌ترین تخلف به‌سرعت پیگرد دارد. اما در ایران، حتی شکایات رسمی نیز با بروکراسی فرساینده مواجه‌اند، و آن‌چه قربانی می‌شود نه فقط وقت و هزینه مراجعه‌کننده، که کرامت انسانی اوست. جامعه‌ای که به روان‌کاوان جعلی پناه می‌برد، در واقع، در حال قربانی کردن روان خود است. این هشدار نه فقط برای نهادهای ناظر، بلکه برای رسانه‌ها، خانواده‌ها، و خود ماست. نباید اجازه دهیم «روان‌درمانی» به بنگاه سرگرمی و تجارت سیاه بدل شود.

در این میان، نباید از نقش جامعه نیز غافل شد. عطش شدید برای «درمان سریع»، میل به شنیدن جملات انگیزشی بی‌پشتوانه، و پیروی کور از اینفلوئنسرهای به ظاهر «آگاه»، خود بستری برای رشد این پدیده خطرناک فراهم کرده است. بسیاری از مردم، به جای اعتماد به روان‌شناسان متخصص، ترجیح می‌دهند نسخه‌هایی دست‌ساز از زردنویسان مجازی دریافت کنند؛ نسخه‌هایی که نه‌تنها دردها را دوا نمی‌کنند، بلکه گاه منشأ اختلالات جدیدی می‌شوند. در نهایت، این ما هستیم که باید میان درمان و توهم درمان، انتخابی آگاهانه کنیم؛ چرا که بهای اعتماد بی‌جا، سلامت روانی‌ای است که شاید هرگز بازیابی نشود.

نقشه‌راه برهزینه اروپا برای وداع با انرژی روسیه؛ بلندپروازی سیاسی یا واقع‌گرایی اقتصادی؟

هادی نادری

اتحادیه اروپا با انتشار یک نقشه‌راه ۹ مرحله‌ای مدعی شده است که قصد دارد وابستگی انرژی خود به روسیه را تا سال ۲۰۳۰ به‌طور کامل قطع کند؛ طرحی بلندپروازانه که اگرچه در ظاهر با شعار استقلال انرژی و همبستگی قاره سبز ارائه شده، اما در عمل با هزینه‌های نجومی، چالش‌های زیرساختی و تدریج‌های جدی در زمینه واقع‌گرایی اقتصادی مواجه است.

کمیسیون اروپا در سندی با عنوان «نقشه‌راه برای پایان واردات انرژی از روسیه» اعلام کرده است که اجرای این برنامه در واکنش به تحولات ژئوپلیتیک به‌ویژه جنگ در اوکراین و با هدف افزایش تاب‌آوری انرژی و کاهش نفوذ سیاسی روسیه طراحی شده است. این سند، ۹ محور کلیدی برای گذار از انرژی روسیه را ترسیم می‌کند که شامل اقدامات مختلفی از افزایش

بهره‌وری انرژی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر گرفته تا تنوع‌بخشی به واردات و ذخیره‌سازی استراتژیک انرژی می‌شود.

۹ محور اصلی طرح عبارتند از: گسترش زیرساخت‌های گاز طبیعی مایع (LNG)، افزایش بهره‌وری در مصرف، تسریع پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر، ایجاد سازوکارهای قیمت‌گذاری هماهنگ، خرید مشترک انرژی در سطح اتحادیه، حمایت از خانوارهای آسیب‌پذیر، سرمایه‌گذاری در هیدروژن سبز، نوسازی شبکه‌های انتقال، و تقویت همکاری با شرکای انرژی غیروابسته به روسیه.

با آنکه در این سند بر همبستگی سیاسی و ضرورت اقدام فوری تأکید شده، اما بررسی‌های نهادهای مستقل از جمله آژانس بین‌المللی انرژی و همچنین داده‌های داخلی کمیسیون اروپا نشان می‌دهد اجرای کامل این نقشه‌راه مستلزم سرمایه‌گذاری بیش از ۳۰۰ میلیارد یورویی تا پایان دهه جاری است. تنها در بخش

انرژی‌های تجدیدپذیر، اتحادیه اروپا باید سالانه حدود ۵۰ میلیارد یورو بیشتر از بودجه فعلی هزینه کند. همچنین نوسازی شبکه‌های انتقال و ذخیره‌سازی به‌ویژه در کشورهای شرقی اروپا با موانع فنی و مالی گسترده‌ای مواجه است.

برخی تحلیلگران اروپایی، از جمله در اندیشکده‌های اقتصادی بروکسل، معتقدند که این برنامه بیش از آنکه یک راه‌حل اجرایی باشد، بیشتر یک بیانیه سیاسی در تقابل با روسیه تلقی می‌شود. به گفته این تحلیلگران، اتحادیه اروپا هنوز نتوانسته است درباره منابع جایگزین، به‌ویژه در زمینه تأمین بلندمدت گاز، به اجماع برسد. همچنین بسیاری از کشورهای عضو نگران پیامدهای اجتماعی افزایش قیمت انرژی در سال‌های پیش‌رو هستند؛ مسئله‌ای که پیش از این نیز اعتراضات گسترده‌ای را در فرانسه و آلمان به همراه داشته است.

اصلاح فرآیندهای اداری، ضرورتی برای فردای کرج؛

نوسازی باطعم واقع گرایی

علیرضاناظری

در دل یک ساختار فرسوده، هر گامی به سوی تحول، نه یک انتخاب، بلکه یک الزام حیاتی است. شهرداری کرج، که بار سالها پیچیدگی، بروکراسی سنگین و ناکارآمدی تاریخی را بر دوش می‌کشد، این روزها در آستانه فصلی تازه ایستاده است؛ فصلی که نام آن را «بازنگری فرآیندها» گذاشته‌اند. اما آیا صرفاً برگزاری یک جلسه تخصصی و دعوت از یک شرکت دانش‌بنیان، می‌تواند این شهر خسته را از زیر سایه بوروکراسی ناکارآمد نجات دهد؟

نشست اخیر بررسی فرآیندهای اجرایی شهرداری کرج، به ریاست مظاهر سعیدی، گامی است در مسیر درست. سخن از به‌روزرسانی فرآیندها، چابک‌سازی ساختارها، و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی شرکت‌های دانش‌بنیان، اگرچه بر زبان آسان می‌نشیند، اما در عمل به اراده‌ای فراتر از شعار نیاز دارد. ادارات ما، سال‌هاست که درگیر چرخه‌ای معیوب از تصمیم‌های سطحی، اجرای ناقص و نظارت غیراصولی‌اند؛ و کرج، به‌عنوان یکی از پرچالش‌ترین کلانشهرهای کشور، نمونه‌ای گویاست.

در نظام اداری فعلی، شهروندان هنوز برای ساده‌ترین امور، ناگزیرند به دفاتر شلوغ، سامانه‌های ناقص و رویه‌های غیرشفاف رجوع کنند. این فرایندها نه تنها رضایت عمومی را مخدوش می‌کند، بلکه مانعی جدی برای سرمایه‌گذاری، توسعه شهری و حتی اجرای ساده‌ترین پروژه‌های عمرانی به شمار می‌رود. در این شرایط، بازنگری فرایندها نه یک پروژه فناورانه، بلکه یک پروژه اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی است.

اتکا به شرکت‌های دانش‌بنیان در این مسیر، حرکتی هوشمندانه است؛ به شرط آنکه این همکاری از سطح مشاوره عبور کند و به درون سازمان نفوذ کند. تجربه نشان داده بسیاری از پروژه‌های مشابه، تنها در مرحله طراحی متوقف مانده‌اند و پس از تغییر مدیر یا بودجه، به بایگانی سپرده شده‌اند. برای جلوگیری از تکرار این چرخه ناکامی، باید سازوکارهای پایش، گزارش‌دهی شفاف و پاسخگویی نهادینه شود.

در این میان، نقش افکار عمومی و رسانه‌ها نیز کلیدی است. فرآیند تحول اداری نباید در اتاق‌های بسته یا برگه‌های محرمانه اتفاق بیفتد؛ باید شفاف، پیوسته و مشارکتی باشد. اعتماد شهروندان، تنها زمانی بازسازی می‌شود که آنان تغییر را در زندگی روزمره خود حس کنند؛ در سرعت صدور مجوزها، در پاسخگویی کارمندان، در کیفیت سامانه‌های آنلاین و در حذف روال‌های زائد و مزاحم.

از سوی دیگر، این الگو باید فراتر از شهرداری کرج برود. ادارات مختلف استان البرز، از ثبت اسناد و املاک گرفته تا بهداشت و آموزش، همگی با انباشت مژمن ناکارآمدی مواجه‌اند. کافی است به یک اداره پرمراجعه قدم بگذارید تا دریابید که هنوز بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها به‌صورت سلیقه‌ای و غیرسیستمی انجام می‌شود. اینجاست که مفهوم «تحول اداری» باید از یک شعار، به یک مطالبه عمومی و یک روند پایدار بدل شود.

سعیدی، مدیرکل نوسازی شهرداری کرج، از این جلسه به‌عنوان «نخستین گام» یاد کرده است. اما برای گام‌های بعدی، چیزی فراتر از جلسه و توصیه لازم است؛ باید ساختارهای فرسوده بازمهندسی شوند، مدیران آموزش ببینند، کارکنان توانمند شوند و مهم‌تر از همه، از مردم خواسته شود تا ناظر این تحول باشند.

تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که تحول اداری موفق، از دل گفت‌وگوی صادقانه، برنامه‌ریزی علمی و مشارکت عمومی بیرون می‌آید. آیا شهرداری کرج می‌تواند چنین الگویی را در مقیاس محلی پیاده کند؟ پاسخ به این پرسش، نه در متن صورتجلسه‌ها، بلکه در تجربه زیسته مردم این شهر نمایان خواهد شد.

تله کلاهبرداران اینترنتی با تبلیغ پرداخت وام کم بهره در البرز

رییس پلیس فتا البرز درخصوص تبلیغات اغوا کننده پرداخت وام های کم بهره در فضای مجازی به کاربران هشدار داد. سرهنگ «رسول جلیلیان» اظهار داشت: کاربران به هیچ وجه لینک پیامک های ناشناس و مشکوک را باز نکنند تا از هرگونه کلاهبرداری مجازی پیشگیری شود. وی اضافه کرد: کلاهبرداران در شبکه های اجتماعی بویژه در اپلیکیشن تلگرام، کانال‌های جعلی با ادعای اخذ وام فوری به نام بانک مرکزی و سایر بانک‌های کشور با نمایش کارت ملی افراد و تصاویر جعلی از واریز وجه به حساب آن‌ها، سعی در فریب و جذب کاربران دارند.



دنیای سوادار

چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۷

۳ در شهر

از «البرز» چه خبر؟

«مسعود محمدی» خبر داد؛

سهم کرج از قرارداد وزارت کشور ۱۰۴ واگن است



به‌صورت فزاینده‌ی پیش رفت و اکنون در فاز نهایی (ضلع شرقی) در حال انجام است. بزرگ‌ترین چالش ما تأمین مالی بوده که با برنامه‌ریزی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها تاکنون در این زمینه موفق عمل شده است.

است. به‌نظم باید بر مدار قانون حرکت و قانونی برخورد کنیم که در صورت عدم همکاری دانشگاه، قطعاً برخورد قانونی صورت خواهد گرفت.

این مسئول اضافه کرد: چالش دیگری که وجود دارد رام قطار است، دو رام قطار وجود دارد اما اگر با همین تعداد مترو افتتاح شود سرفاصله حرکت قطارها زیاد و موجب نارضایتی مردم شود. در حال برنامه‌ریزی هستیم که در صورت عدم ورود رام‌های قطار بیشتر، با رعایت ایمنی شهروندان، بهره‌برداری با همین دو رام قطار صورت گیرد.

رئیس شورای اسلامی شهر کرج از عقد قرارداد ۶۹۹ واگنی وزارت کشور با یک شرکت چینی خبر داد و تصریح کرد: سهم کرج از این قرارداد ۱۰۴ واگن است. قصد داشتیم با اخذ مجوزهای لازم، سفر جداگانه‌ای به چین داشته باشیم که محقق نشد، اما در صورت نیاز این سفر انجام خواهد شد.

محمدی اظهار کرد: پیاده‌راه امامزاده حسن (ع) به دلیل قرارگیری در مرکز شهر، با چالش‌هایی از جمله جلب رضایت کسبه همراه بود، این پروژه

رئیس شورای اسلامی شهر کرج از عقد قرارداد ۶۹۹ واگنی وزارت کشور با یک شرکت چینی خبر داد و گفت: سهم کرج از این قرارداد ۱۰۴ واگن است.

مسعود محمدی، از افتتاح پروژه تقاطع غیرهمسطح بلوار جمهوری - مؤذن خبر داد و گفت: این تقاطع کریدور شمالی - جنوبی شهر است و با اتصال تقاطع روحانی به مؤذن و سپس به بزرگراه شهید سلیمانی، نقش مؤثری در کاهش ترافیک خواهد داشت.

وی مطرح کرد: پروژه‌های زیرگذرهای میدان حصارک و شیخ‌آباد در فصل بهار کلنگ زنی می‌شوند. زیرگذر میدان حصارک به‌عنوان مسیر جایگزین خیابان شهید بهشتی، از بار ترافیکی تا ۴۵ متری گلشهر می‌کاهد. همچنین شورای شهر هزینه کامل پروژه شیخ‌آباد را متقبل می‌شود که مرز مشترک مشکین‌دشت و فردیس است.

محمدی توضیح داد: متروی شهید سلطانی از لحاظ عمرانی آماده بوده اما مشکل دیو و عدم توافق با دانشگاه خوارزمی باقی وجود دارد. چندین جلسه با دانشگاه برگزار شد اما تاکنون توافق حاصل نشده

شهرداری کرج در مسیر تحول، بازنگری و بهبود فرآیندهای اداری

در ارائه خدمات مطلوب به شهروندان، اظهار داشت: هدف ما از این بازنگری، شناسایی نقاط ضعف و قوت فرآیندهای موجود و ارائه راهکارهای عملی برای بهبود عملکرد و افزایش رضایت شهروندان است.

سعیدی همچنین بر نقش شرکت‌های دانش‌بنیان در ارائه رویکردهای نوآورانه و کارآمد برای بهبود فرآیندها تأکید کرد و افزود: استفاده از ظرفیت‌های علمی و تخصصی این شرکت‌ها می‌تواند ما را در دستیابی به اهداف تحولی یاری کند.

مدیرکل دفتر نوسازی و تحول اداری شهرداری کرج، در پایان گفت: این جلسه، نخستین گام به‌منظور ایجاد یک برنامه جامع برای اصلاح و بهینه‌سازی فرآیندهای شهرداری کرج محسوب می‌شود و انتظار می‌رود با اجرای پیشنهادات مطرح شده، شاهد ارتقای سطح خدمات‌رسانی و افزایش بهره‌وری در این مجموعه باشیم.

بهبود فرآیندهای جاری خود را مورد بررسی دقیق قرار داد. این اقدام گامی مهم در راستای اصلاح ساختار اداری و نظام فرآیندی این نهاد خدمت‌رسان شهری به شمار می‌رود.

جلسه تخصصی بررسی و به‌روزرسانی فرآیندهای شهرداری کرج، با حضور مظاهر سعیدی مدیر کل نوسازی و تحول اداری و نمایندگان شرکت دانش‌بنیان مجری پروژه برگزار شد.

در این نشست، گزارش جامعی از فرآیندهای احصاء شده ارائه و پیشنهادهای کلیدی در زمینه بهینه‌سازی ساختارها و ارتقای فرآیندهای اجرایی مطرح شد.

مدیرکل دفتر نوسازی و تحول اداری شهرداری کرج، ضمن تأکید بر ضرورت تحول بنیادین در سازوکارهای اجرایی، خواستار بازنگری مستمر و بهینه‌سازی فرایندها به‌منظور ارائه بازخورد و پیشنهادهای اصلاحی کارآمد شد.

وی با اشاره به اهمیت چابک‌سازی ساختار اداری



با هدف افزایش کارآمدی و چابک‌سازی ساختار اداری، شهرداری کرج به میزبانی مدیر کل دفتر نوسازی و تحول اداری، روند شناسایی، احصاء و

نهرهای منطقه ۹ کرج لایروبی شد

منظور یاری رساندن به شهرداری از ریختن پسماندهای شهری و نخاله‌های ساختمانی در جوی‌های آب و مسیر رودخانه‌ها و حریم آن‌ها خودداری کنند.

سرپرست منطقه ۹ شهرداری کرج با بیان اینکه برای خدمات‌رسانی مطلوب به شهروندان در زمان بارش‌ها، کلیه نیروهای خدمات شهری همراه با ادوات و ماشین آلات در آماده‌باش کامل خواهند بود، گفت: شهروندان در صورت مشاهده هرگونه آلودگی در نقاط مختلف شهر با سامانه ۱۳۷ تماس بگیرند تا در اسرع وقت موارد مطرح شده، پیگیری و از سوی خدمات شهری منطقه رفع شود.

مبنی بر احتمال بارش به‌منظور جلوگیری از بروز سیلاب و آب گرفتگی معابر، آلودگی‌های زیست محیطی، تجمع پساب‌ها، جلوگیری از بوی نامطبوع و مدیریت روان‌آب‌های جاری، نیروهای خدمات شهری منطقه در حال نظافت و پاکسازی و انجام عملیات لایروبی و پاکسازی تمامی کانال‌ها و مسیل‌های سطح منطقه از جمله کانال‌های قدیمی هستند.

وی با اشاره به اینکه تلاش گسترده و شبانه‌روزی پرسنل خدمات شهری با هدف ایجاد نمای بصری مناسب در سطح منطقه و ارائه خدمات مطلوب به شهروندان صورت می‌گیرد، از شهروندان خواسته

مدیر منطقه ۹ شهرداری کرج از اجرای عملیات لایروبی نهرهای سطح منطقه به‌منظور جلوگیری از آبگرفتگی معابر و هدایت آب‌های سطحی خبر داد. مصطفی عابدی اظهار داشت: طی سال جاری، با توجه به اهمیت موضوع جلوگیری از بروز آب گرفتگی‌ها در معابر، عملیات پاکسازی و لایروبی کانال‌ها، منهول، انهار و مسیل آبگرفتگی منطقه در دستور کار قرار گرفته است و برنامه‌ریزی لازم جهت لایروبی نقاط آبگیر و حساس صورت پذیرفته و این عملیات تا پاکسازی کامل در تمامی محلات ادامه خواهد داشت.

عابدی اظهار داشت: هم‌زمان با اعلام هواشناسی

پایش بجای درمان؟

یاسمن یزدانی

در سرزمینی که نفس خاکش از عطش تنگ شده و بوی شوری از شیرهای خانه به مشام می‌رسد، خبر از تجهیز یک «آزمایشگاه سیار کنترل کیفیت آب» به گوش می‌رسد. در نگاه نخست، این حرکت گامی تکنولوژیک و مثبت تلقی می‌شود؛ خودرویی ون‌مانند، پر از تجهیزات مدرن برای رصد کیفیت آب. اما پرسش اینجاست که آیا در بحران دیرپای و ساختاری آب در خوزستان، ایجاد چنین آزمایشگاهی می‌تواند پاسخگوی نیازهای عمیق و واقعی مردم باشد یا صرفاً چسب زخمی است بر زخم کهنه و عمیق سوءمدیریت و بی‌تدبیری مزمن؟

خوزستان سال‌هاست که با بحران چندلایه آب دست و پنجه نرم می‌کند. از آلودگی آب کارون گرفته تا شوری آب مناطق جنوبی استان، از ترکیب مداوم شبکه‌های فرسوده تا جیره‌بندی‌های پرابهام تابستانی، شهروندان این استان دیگر صرفاً از کیفیت آب گله‌مند نیستند، بلکه از اصل بی‌عدالتی و تبعیض در تخصیص منابع آبی، از بی‌اعتمادی به نهادهای مسئول و از انفعال در اجرای طرح‌های اصلاحی گلایه دارند. در چنین بستری، راه‌اندازی آزمایشگاه سیار به خودی خود اقدامی مثبت است، اما اگر نگاهی دقیق‌تر به روایت‌های رسمی ببیند، چیزی جز بازتولید الگوی قدیمی «فناوری محور بدون اصلاح ساختاری» نمی‌یابیم. این آزمایشگاه بجای آنکه نشان‌دهنده حل مسئله باشد، در واقع سندی دیگر است بر استمرار بحران؛ گواهی بر اینکه همچنان کیفیت آب در بسیاری از نقاط استان مشکوک و نامطمئن است.

مدیرعامل آبفای خوزستان از ویژگی‌هایی چون «پایش کیفیت در پیاده‌روی اربعین»، «ارائه خدمات در شرایط بحرانی» و «اطمینان بخشی به مردم» سخن می‌گوید. اما آیا برای مردمی که سال‌هاست با بطری‌های آب معدنی زندگی می‌کنند و گاه حتی آب شور در خانه‌هایشان جاری است، یک ون آزمایشگاهی می‌تواند اطمینان بیاورد؟ مگر نه اینکه مردم به جای اطلاع از سطح TDS و pH آب، خواهان شیرهای سالم و آب گوارا هستند؟ افزون بر این، هزینه تجهیز این آزمایشگاه حدود ۲۷ میلیارد ریال اعلام شده است. اگر این رقم را با نیازهای حیاتی استان مقایسه کنیم، ممکن است به این نتیجه برسیم که با بخشی از این بودجه می‌شد حداقل چند نقطه بحرانی در شبکه‌های فرسوده آبرسانی را اصلاح کرد. اصلاح شبکه‌های توزیع، بازسازی خطوط انتقال و جلوگیری از هدررفت گسترده آب باید در اولویت باشد، نه افزون ابزارهای تشخیص مشکلی که همه به آن واقف‌اند.

از سوی دیگر، تجربه دهه‌های اخیر نشان داده است که «کنترل» و «نظارت» در کشور ما، اگر بدون ضمانت اجرا و پاسخگویی دقیق باشند، بیشتر به ژست و نمایش شباهت دارند تا عملکرد مؤثر. اگر این آزمایشگاه سیار قرار است همان نتایجی را ثبت کند که پیشتر در گزارش‌های میدانی، مطالعات دانشگاهی یا شکایات مردمی ثبت شده‌اند، ولی باز هم گامی اصلاحی در پی آن برداشته نمی‌شود، این خودرو هم در بهترین حالت بدل به «آزمایشگاه سیار اعتماددسوزی» خواهد شد.

از منظر جامعه‌شناختی نیز این نوع پروژه‌ها بیش از آن که اطمینان‌آفرین باشند، می‌توانند حس «فاصله میان مردم و مسئولان» را تشدید کنند. مردم، که خود با آب روزه‌ر سر و کار دارند، به وضوح کیفیت آن را با حواس پنج‌گانه می‌سنجند؛ نه با کلنی کانتر و انکوباتور. راه‌حل بحران آب در خوزستان، نه در تکنولوژی‌های نظارتی جدید بلکه در تغییر پارادایم مدیریتی و پذیرش مسئولیت تاریخی و سیاسی بحران‌های انباشته است. در نهایت، باید پرسید که آیا این آزمایشگاه، ابزاری برای اصلاح کیفیت آب خواهد بود یا صرفاً دماسنجی است که تب مزمن را ثبت می‌کند اما درمانی در پی ندارد؟ اگر نهادهای مسئول به جای اقدامات نمایشی، صدای واقعی مردم را بشنوند و برای ریشه‌های بحران پاسخ عملیاتی بیابند، شاید دیگر نیازی به ون‌های آزمایشگاهی نباشد. چرا که آب باید پاک باشد، نه آنکه فقط تأییدیه آلودگی‌اش در جاده‌ها بچرخد.

بازداشت دو مدیر و احضار چند مطلع در پرونده انفجار در بندر شهید رجایی

بازپرس پرونده انفجار در بندر شهید رجایی گفت: در حال حاضر دو نفر از مدیران دولتی و خصوصی با قرار تأمین متناسب وثیقه در بازداشت هستند و تعدادی نیز جهت اخذ اظهارات به‌عنوان مطلع احضار شده‌اند.

بازپرس پرونده حادثه بندر شهید رجایی جهت بررسی ابعاد مختلف حادثه و یافتن علل و سبب‌های میدانی برای ادامه تحقیقات از محل حادثه بازدید کرد و ضمن گفت‌وگو با افرادی که از همان لحظه وقوع حادثه در محل حضور داشتند، تأکید کرد: جهت رسیدگی عادلانه و رعایت اصول قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی دقیق ابعاد حادثه نیازمند اظهار نظر دقیق کارشناسان در موضوعات مختلف بوده که دستورات لازم در این خصوص صادر شده است. در حال حاضر دو نفر از مدیران دولتی و خصوصی با قرار تأمین متناسب وثیقه در بازداشت هستند و تعدادی نیز جهت اخذ اظهارات به‌عنوان مطلع احضار شده‌اند.

جمعه

دنیای سوادار

چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۷

خط قرمز

تأملاتی بر نقش شهروندان در ماندگاری تکدی‌گری؛

دلسوزی ناآگاهانه، خیری است که شر می‌زاید



مهاجرت برخی به تکدی‌گری به عنوان منبع اصلی معیشت شده است.

از کودک‌فروشی تا اجاره نوزاد

یکی از خطرناک‌ترین و تلخ‌ترین ابعاد این پدیده، بهره‌کشی از کودکان و زنان در باندهای تکدی‌گری است. کودکان در ساعات طولانی در شرایطی غیرانسانی، خیابان‌ها را زیر پا می‌گذارند تا فقط «دل کسی بلرزد». این بهره‌کشی سیستماتیک، صرفاً بهانه‌ای برای درآمدزایی است، بی‌آنکه آینده‌ای برای کودک باقی بگذارد. زنان جوان نیز با ظاهرهایی خاص و گاه برنامه‌ریزی شده، به درام خیابانی گدایی افزوده شده‌اند. گاه حتی نوزادانی که در آغوش متکدی هستند، متعلق به او نیستند. این نوزادان اجاره داده می‌شوند تا حس مادرانگی رهگذران را تحریک کنند. دستگاه‌های حمایتی نظیر بهزیستی، کمیته امداد، شهرداری و نیروی انتظامی، با وجود تلاش‌های مودری، در عمل نتوانسته‌اند چرخه معیوب تکدی‌گری را بشکنند. بخشی از مشکل، نبود بودجه و سازوکار اجرایی است، اما بخش دیگر، مقاومت خود متکدیان به سبب درآمد بالای این فعالیت است. متکدی‌ای که ماهانه بیش از ده میلیون تومان درآمد دارد، چرا باید به یک مرکز حمایتی برود که شاید کمتر از یک‌پنجم آن را به‌عنوان کمک دریافت کند؟ از سوی دیگر، نبود قانون‌گذاری مؤثر و یکپارچه، سبب شده که سازوکار برخورد با متکدیان ناقص بماند. برخی دستگیر و رها می‌شوند، برخی حتی بارها شناسایی اما آزاد گذاشته می‌شوند. نهایتاً این تسلسل بی‌نتیجه، شهر را به صحنه تئاتری از فقر نمایشی بدل می‌سازد.

مسئله‌ای که کمتر درباره آن صحبت می‌شود، نقش مردم در بازتولید این وضعیت است. دلسوزی ناآگاهانه، گرچه از منشا انسانی و اخلاقی می‌آید، اما به‌تنبهایی نمی‌تواند

ایمان روزبهرانی

درست در لحظه‌ای که چراغ قرمز می‌شود، کودکی با صورتی آلوده و دستانی خاک‌آلود، پشت شیشه اتومبیل ظاهر می‌شود. او چیزی نمی‌گوید، فقط نگاه می‌کند. رهگذر یا راننده که گاه قلبش پیش از غلش تصمیم می‌گیرد، دست در جیب می‌برد، سکه‌ای یا اسکناسی بیرون می‌آورد و با این تصور که کار خیر کرده، از صحنه عبور می‌کند. اما آنچه باقی می‌ماند، نه مهربانی است، نه مسئولیت‌پذیری؛ بلکه چرخه‌ای است که فقر را به نمایش، و ترحم را به معامله بدل می‌کند.

در سال‌های اخیر، شهرهایی چون تهران، کرج، مشهد و شیراز، با رشد نگران‌کننده تکدی‌گری مواجه بوده‌اند. پدیده‌ای که دیگر نه صرفاً محصول فقر مطلق، که به‌مرور بدل به نوعی «اقتصاد غیررسمی خیابانی» شده است؛ اقتصادی که سودآوری آن، نتیجه بی‌پایان دلسوزی ناآگاهانه مردم و غیاب آگاهی اجتماعی است.

بسیاری از شهروندان در مواجهه با متکدیان دچار دوگانه‌های اخلاقی می‌شوند: کمک کنیم یا نه؟ آیا این فرد واقعاً نیازمند است یا عضوی از یک باند سازمان‌یافته؟ آیا پشت آن کودک زباله‌گرد، مادری رنج‌کشیده است یا شبکه‌ای مافیایی که از او برای درآمدزایی استفاده می‌کند؟ این پرسش‌ها بی‌پاسخ می‌مانند، چون احساس، فرصت تحلیل را از ما می‌رباید. در نتیجه، تصمیم‌های ناآگاهانه، به توزیع بی‌هدف پول منجر می‌شود؛ پولی که نه به بهبود وضعیت اجتماعی فرد کمک می‌کند و نه به حل معضل فقر ساختاری. مطابق گزارش‌های رسمی، درآمد روزانه برخی متکدیان از یک کارمند رسمی بیشتر است. این امر نه تنها تمایل به ترک این «حرفه» را کاهش داده، بلکه حتی سبب

لزوم پررنگ‌شدن نقش ماماها در روند بارداری و زایمان ایمن؛ ترمیم نرخ باروری در کشور تا چه حد ضروری است؟

وی درباره برگزاری دوره‌های توانمندسازی اظهار کرد: هدف‌گذاری وزارت بهداشت این است که دوره‌های توانمندسازی برای ماماها طی سال جاری برگزار کند تا بستری مناسب برای اشتراک‌گذاری تجربیات فراهم شود. سرپرست مرکز مدیریت بیمارستانی و تعالی خدمات بالینی وزارت بهداشت با اشاره به نرخ باروری در کشور گفت: ترمیم نرخ باروری در کشور امری ضروریست و این موضوع در کانون توجه مقام معظم رهبری قرار گرفته است. نرخ باروری برای نجات جمعیت کشور می‌بایست افزایش یابد. مولفه‌های اجتماعی و اقتصادی در افزایش روند نرخ باروری اثرگذار هستند اما آنچه در حوزه وظایف وزارت بهداشت می‌بایست در کانون توجه قرار گیرد، زایمان ایمن و خاطره‌انگیز برای زنان است. وی با بیان اینکه ۲۰۰۰ تخت LDR در کشور وجود دارد، گفت: اگر حریم خصوصی مادران حفظ نشود و خاطر بدی از زایمان داشته باشند، نباید انتظار داشته باشیم که برای بارداری‌های بعدی ترغیب شوند. با توجه به این شرایط، ارتباط عاطفی مناسب میان ماماها و زنان باردار، تکریم مادران و همچنین ایجاد تجربه خوشایند از فرایند زایمان می‌تواند نقش مؤثری در افزایش نرخ باروری داشته باشد.

سلامت کشور به برنامه پزشکی خانواده پناه آورده است، اظهار کرد: دلیل پناه‌آوردن نظام سلامت به برنامه پزشکی خانواده این است که نظام سلامت مؤثر، مقرون به‌صرفه و کارآمد نیازمند آن است که حوزه بهداشت نسبت به درمان بیشتر در کانون توجه قرار گیرد. وی با بیان اینکه نقش ماماها در زمینه مراقبت از زنان باردار می‌بایست پررنگ‌تر شود، توضیح داد: به طور قطع، شرایط باید به نحوی باشد که روند بارداری به گونه‌ای باشد که زایمان طبیعی ایمن سبب ترس و واکنش نشود و به نحوی عمل کنیم که زنان را برای زایمان طبیعی تشویق کنیم. با توجه به این شرایط، باید نقش ماماها طی ۹ ماه بارداری پررنگ شود.

سرپرست مرکز مدیریت بیمارستانی و تعالی خدمات بالینی وزارت بهداشت ادامه داد: پررنگ شدن نقش ماماها به معنای کم‌رنگ شدن نقش پزشکان متخصص نیست؛ چرا که نقش و جایگاه هر کدام از اعضای کادر سلامت در نظام سلامت مشخص است.

عسکری درباره خلاء زایمان طبیعی در کشور گفت: مراقبت از مادر باردار و هدایت او به‌سوی زایمان طبیعی، خلأیی جدی است که برای رفع این موضوع می‌بایست تدبیر جدی داشته باشیم.



سرپرست مرکز مدیریت بیمارستانی و تعالی خدمات بالینی وزارت بهداشت با تأکید بر لزوم پررنگ شدن نقش ماماها طی ۹ ماه بارداری مادران و زایمان طبیعی ایمن، در عین حال گفت: ارتباط عاطفی مناسب میان ماماها و زنان باردار، تکریم مادران و همچنین ایجاد تجربه خوشایند از فرایند زایمان می‌تواند نقش مؤثری در افزایش نرخ باروری داشته باشد. دکتر علیرضا عسکری در مراسم «گرامیداشت روز جهانی ماما» که روز گذشته برگزار شد، با بیان اینکه نظام



بزرگداشت شهید جمهور از ۲۵ اردیبهشت آغاز می‌شود

رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت شهید جمهور و شهدای خدمت گفت: بزرگداشت‌های مردمی شهدای خدمت از ۲۵ اردیبهشت در میدان امام حسین (ع) آغاز خواهد شد. سعید اوحدی در نشست کمیته‌های تخصصی ستاد بزرگداشت شهید جمهور و شهدای خدمت گفت: شروع برنامه‌های شهدای خدمت با برگزاری یک همایش مردمی در میدان آئینی امام حسین (ع) آغاز می‌شود و مراسم مشابهی نیز همزمان در شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها در نظر گرفته شده که با حضور و مشارکت مردم برگزار می‌گردد. بزرگداشت شهید جمهور از ۲۵ اردیبهشت در میدان امام حسین (ع) آغاز خواهد شد. سعید اوحدی در نشست کمیته‌های تخصصی ستاد بزرگداشت شهید جمهور و شهدای خدمت گفت: شروع برنامه‌های شهدای خدمت با برگزاری یک همایش مردمی در میدان آئینی امام حسین (ع) آغاز می‌شود و مراسم مشابهی نیز همزمان در شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها در نظر گرفته شده که با حضور و مشارکت مردم برگزار می‌گردد. همانگونه که شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی، نماد وفاق بود، بی‌شک برگزاری نخستین سالگرد بزرگداشت شهید جمهور و شهدای خدمت، موجب تقویت وفاق ملی و انسجام میان مردم شود.

چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۷

دنیایک سوادار

فرهنگی

دست به نقد

تأملاتی بر انگاره‌های سینمای پیش از موج در آثار «لویی مال»؛

طغیان‌گر فواصل انسانی

پژمان خلیل‌زاده



فیلم کن ۱۹۵۶ اکران شد و تحسین‌های زیادی را به همراه داشت. مال و کوستو برای این مستند جسارت‌برانگیزشان جایزه نخل طلای کن و اسکار بهترین مستند همان‌سال را دریافت کردند. واکنش اکثریت جامعه منتقدان اروپایی و آمریکایی، «دنیای خاموش» را اثری هنرمندانه با فرم ویژه سینمای مستند ارزیابی می‌کردند. در همان‌سال ۱۹۵۶، لویی مال برای درک بهتر و آموختن بیشتر مباحث تکنیکال سینما، با حسی افتخارآمیز به‌سوی استاد مسکوت سینماتوگرافی فرانسه، روبر برسون بزرگ می‌شناید تا در پروژه ساخت فیلم «یک محکوم به مرگ گریخت - ۱۹۵۶» دستیاری و کارآموزی را از حضرت استاد فرا بگیرد. همانطور که در آثار دهه ۶۰ و ۷۰ لویی مال - که شاخص‌ترین آثار برجسته کارنامه اوست □ تأملی کنیم، وجه تسمیه و تأثیر ژرف آلمان‌های تألیفی برسون را در جای‌جای فرم و تکنیک و محتوای آثار او به‌شکل واضح درک خواهیم کرد. عناصر اصلی و ماده خام سینما برای مال اساساً دریا بود و ماتریالیستی و انگیزه‌های بصری قدرت میل و ارتباط خلاصه می‌شود. این خط‌کشی علت و معلولی در جهان پیش‌ساخته قالب‌ها و تابوها در فرم روایی و ساختاری نخستین فیلم بلند سینمایی او نمایان می‌شود.

«آسانسوری به‌سوی اعدام» اولین اثر لویی مال است که آن را در سال ۱۹۵۷ می‌سازد و در ابتدای سال ۱۹۵۸ (ژانویه) اکرانش می‌کند. فیلم، نقطه آغاز جهان فیلمیک لویی مالی است؛ دنیایی پر از تشدد تنهایی که دائماً گزاره‌های موجود، بر ریشه‌های متصاعد تلمبار می‌گردد. این فیلم لویی مال را شماری از منتقدان سینما مانند: جان سایمون، ریچارد برودی، دیوید تامسون و... مهم‌ترین اثری می‌دانند که حکم اسکلت و ستون فقرات «جنبش موج نو سینمای فرانسه» را دارد. منتقدان جوان و با انگیزه و مستعد کایه دو سینما که از سال ۱۹۵۲ زیر سایه استاد بی‌بدیشان آندره بازن، درحال تئوریزه کردن نگره مؤلف و سینمای میزانشن مشغول بودند و از سال‌های ۱۹۵۷ به بعد اریک رومر به‌همراه ژاک ریوت و کلود شابلول کارهای جمع‌وجور و آماتوری در قبال فیلم کوتاه برای خودشان تهیه می‌کردند، ناگهان با اکران «آسانسوری به‌سوی اعدام» شوک بزرگی به سینمای جوان و تازه‌نفس فرانسه در محور اسامی پرمطمراق سینما داد. از همان مستند آوانگارد «دنیای خاموش» نام لویی مال چندباری در شماره‌های کایه دو در سال ۱۹۵۵ و ۱۹۵۶ رد و بدل شده بود، اما با نمایش نخستین اثر سینمایی این جوان گمنام؛ بچه‌های کایه دو سینما تمامشان با یک نظر نسبی متغیر، بر این امر صحنه گذاشتند که «آسانسوری به‌سوی اعدام» فیلمی است نخبه‌گرایانه و فرم‌مدار که دقیقاً در راستای همان فرماسیون روایی و ساختاری و تکنیکی حرکت کرده که از سال ۱۹۴۸ آندره بازن در فیلم‌های روبر برسون و ژان رنوار و ملویل بندیش بود. پس از اکران فیلم و منتشر شدن چند نقد مثبت و ستایش‌برانگیز در کنار سه چهار عدد نقد سلبی و مخالف در مجلاتی نظیر کایه دو سینما، پوزیتیف، تِلِسین (انجمن سینماتوگرافی آثار مهجور و کالت)، روو سینماتک و آوان‌سن سینما منتشر گشت. در عرض یک هفته، مخاطبان زیادی در شهرهای فرانسه بخصوص قشر جوان فرانسوی سال‌های سینما را اشغال نمودند تا «آسانسوری به‌سوی اعدام» را تماشا کنند.

مجله سینمایی آوان‌سن سینما (این مجله در سال‌های ۱۹۵۷ یک مجله کوچک اما مهم بود که به شکل هفته‌نامه و پاورقی حوالی سال‌های سینما به فروش می‌رفت) مصاحبه‌ای با لویی مال انجام می‌دهد که این نخستین گفت‌وگوی مستقل

او برای فیلم بلند اولش است. سپس مجله تلسین که نشریه وابسته به سندیکا و انجمن سینماتوگرافی فرانسه با محوریت آثار هنری و مستقل و کالت بود (این انجمن یکی از سنگ‌بناهای سازمان هنر و تجربه سینمای فرانسه را بعدها پایه‌گذاری کرد) شروع کرد به بررسی کارنامه لویی مال و اینجا بود که بار دیگر حضور او به‌عنوان دستیار ژاک-ایو کوستو و یکی از فیلم‌برداران مستند «دنیای خاموش» مطرح گشت و دو فیلم کوتاه ۸ و ۱۶ میلی‌متری وی که در سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ ساخته بود، در انجمن سینماتک پاریس بازنگری می‌شود.

حدود ۷ ماه بعد از اکران و سروصدای «آسانسوری به‌سوی اعدام»، در نوامبر همان‌سال فیلم دوم لویی مال به‌نام «عشق» در ماه نوامبر ۱۹۵۸ به نمایش درمی‌آید. بازخوردها از قیل فیلم دوم، تحسین‌برانگیزتر و پخته‌تر از اثر اول بود و از همین‌جا، لویی مال تبدیل به سینماگر مورد علاقه و یکی از الگوهای مؤلفین تازه‌نفس سینمای فرانسه برای مجله سینمایی و مشهور کایه دو سینما در آن سال‌ها می‌شود. «عشق» با ادامه‌دادن همان تم مرکزی و اتمسفریک «آسانسوری به‌سوی اعدام»، یک درام خرده‌پیرنگ مدرنیستی را فرمالیزه می‌کند و در راستای همان حلقه فرمالیستی سینمای مدرن موج نو فرانسه قرار می‌گیرد. لویی مال مصاحبه‌ای با اریک رومر در ۱۹۵۸ در کایه دو سینما انجام می‌دهد و علاقه وافرش به زبان سینماتوگرافیک روبر برسون و ژان رنوار و ژان ایستاین را بازگو می‌کند و سپس او از دنیای مفروض خود در تنیدگی مضمون‌های به روز و آغشته به انجماد روزمرگی در اتمسفر و چگالی قصه‌هایش سخن می‌گوید.

همانطور که لویی مال در این مصاحبه و گفت‌وگوهای بعدی خود به آن اذعان می‌کند؛ چالش اصلی او در جهان‌های فیلمیکش بحث فواصل عاطفی و احساسی و فردیتی و هویتی انسان‌ها با یکدیگر است. این شاکله مضمونی و تماتیک به‌شکل پخته‌تر در سینمای دهه ۱۹۶۰ مال به‌اشکال مطمئن و متغیر، اما در بسامدی واحد، فیلم به فیلم تکرار می‌شود.

وجه تسمیه میان «آسانسوری به‌سوی اعدام» و «عشق» یک حالت دگردیسی برهم‌نهاد اخلاقی و فردی است که زیست افراد در حصارى جانکاه بدنبال راه گریزی برای رهایی و آزادی است، اما در اتمسفر متجسد شهر، فیلم‌ساز مؤلف ما هیچ منفذ برون‌دادی برای مفرو و گریز پرسوناژها به‌جا نمی‌گذارد. مکانیسم ماتریسی تقابلی بین سازه‌های بی‌روح آپارتمان‌ها در لوکیشن‌های مدرنیته‌ی لویی مال رو به رکود انفضالی گام برمی‌دارد و جهت به جهت، گزاره‌های تو در توی واگرا را در برابر کنش و واکنش گزینه‌های اجرایی پرسوناژها قرار می‌دهد. برای نمونه، میزانشن بسته داخلی آسانسور را در

فیلم «آسانسوری به‌سوی اعدام» به‌یادآورید؛ فیلم‌ساز با ایجاد فضایی محتوم و محبوس شده از تعامل راکد میان فرد و آلیاژهای بدنه محفظه اتاقک، دائماً در جست‌وجوی راهی برای ارتباط گرفتن با امر اکوسیستمی محیط است. تا اینکه در تصمیمی کنش‌برانگیز می‌خواهد از کف اتاقک به فضای خالی چاله آسانسور منتقل شود تا شاید با چسبیدن به نوارهای کابل‌ها بتواند طبقات بالایی را به سمت طبقه همکف، پایین بیاورد. اما ناگهان با ورود غیرمنتظره نگهبان، آسانسور به حرکت درمی‌آید و مرد در واکنشی هیستریکی و هراس‌آلود از ترس اینکه زیر فضای اتاقک فلزی آسانسور له شود، با استیصال و عجله خود را به داخل اتاقک می‌کشد. دقیقاً حد فاصل رابطه تناتنگ بین هویت ماتریال آسانسور و فردیت انسانی کاراکتر؛ یک خلا هولوگرافیک همگرا که همراه دارد. حال همین ماتریس ارتباطی این کنش‌ها را به کانون تعامل دو عاشق ولگرد و دزد ماشین سوق می‌دهیم. در چنین راستایی در می‌یابیم که آن دختر و پسر هم شکلی از ارتباط ماتریال و کنش‌مندی همگرا با گزاره زدی و لمپنی دارند و هویت‌شان پس از ارتکاب به قتل، به حبس خانگی، داخل اتاق بسته همچون محفظه اتاقک آسانسور منتقل می‌شود و اکوسیستم میزانشنی هویت‌شان همچون آن مرد قاتل، در حبس هولوگرافیک بین کنش و انفعال و مرگ نوسان دارد. شخصیت زن فیلم هم در خطوط مواصلاتی بین خیابان‌های مرده و فضای تخیلی کافه‌ها، در نوسان تعاملی میان خلا امید و هذیان عشق، دچار تلاطم آونگی است. لویی مال در نخستین تصویرگری جهان منفک و مؤلفانه خویش، دست به خلق آلمان‌های تألیفی با گزاره‌های تدقیقی در روایت و فرم نمایشی خود می‌زند. در ادامه با آثار متوالی در تداوم ماتریسی فرمال سینمای مال طرف حساب هستیم که توأمان با گذشت سال‌ها و تغییر رویکردهای روایی از خرده‌پیرنگ به شاه‌پیرنگ و بالعکس، پردازش پیرنگ‌های خطی و تخت در آثار کم‌دی و ملودرام؛ لویی مال تا دهه ۱۹۹۰ بر همان مدار مؤلفانه پارامتریک خود قرار داشت و فرماسیون تداومی جهان فیلمیکش را ادامه داده و هسته فعال انگیزه‌های کششی و واکنشی فرازهای ثابتش بر یک محور منسجم چرخ می‌زد. در کلام آخر، برای ادای جملات پایانی در مدح و وصف این سینماگر مؤلف که در این مقاله به آن پرداختیم، می‌توان اینطور اضافه کرد که جنبش موج نوی فرانسه پس از سقوط به بازه راکد و منفعل سینمای دهه ۱۹۸۰، که عموماً اکثر کارگردانان موج نویی دچار یک استحاله برون‌داد و مبتلا شدن به برون‌شیت ساختاری گشتند؛ فیلم‌های پایانی لویی مال در سال‌های اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، مانیفست پایانی و وصیت‌نامه نسل اصلی و کانونی جریان ساختارشکن و تابوشکن موج نویی‌های فرانسه بود.

اصفهان، آمادۀ میزبانی مسابقات

بین‌المللی بولینگ و بیلارد

اصغر قلندری

هاشم اسکندری‌راد، رئیس فدراسیون بولینگ و بیلارد کشور، به همراه سیدمهدی صدری، مدیرکل ورزش و جوانان استان، و امیرحسین صمدانی، رئیس هیأت بولینگ و بیلارد استان اصفهان، با مهدی جمالی‌نژاد، استاندار اصفهان، و ایوب درویشی، معاون سیاسی و اجتماعی استاندار دیدار کردند.

در این نشست، استاندار اصفهان با تأکید بر ظرفیت‌های بالای ورزشی و زیرساخت‌های منحصر به‌فرد این استان، آمادگی کامل اصفهان برای میزبانی مسابقات ملی، بین‌المللی و جهانی بولینگ و بیلارد را اعلام کرد.

جمالی‌نژاد با اشاره به جایگاه ویژه اصفهان در حوزه ورزش گفت: «اصفهان شایستگی میزبانی رویدادهای بزرگ را دارد. باید در برنامه‌ریزی‌ها، هم برای ارتقاء جایگاه استان در میزبانی مسابقات ورزشی و هم در مسیر کسب مقام‌های برتر تلاش مضاعف داشته باشیم».

استاندار اصفهان تصریح کرد: «اصفهان نه‌تنها در سطح ورزش ملی، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز قابلیت تبدیل شدن به یک کانون (هاب) ورزشی منطقه‌ای را دارد. این امر، علاوه بر توسعه ورزش، می‌تواند به رونق اقتصادی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و جریان‌سازی مثبت در حوزه بازگشتی منجر شود».

جمالی‌نژاد با اشاره به امکانات و ظرفیت‌های شهر، از جمله سالن اجلاس بین‌المللی اصفهان و تیم تشریفات منسجم و حرفه‌ای این استان، افزود: «اصفهان گزینه‌ای ایده‌آل برای میزبانی رویدادهای ورزشی در سطح جهانی است. انتظار می‌رود با حمایت فدراسیون‌های مربوطه، بخشی از مسابقات ملی و بین‌المللی در این استان برگزار شود».

در ادامه، هاشم اسکندری‌راد، رئیس فدراسیون بولینگ و بیلارد کشور، با اشاره به عملکرد موفق هیأت ورزشی بولینگ و بیلارد استان اصفهان گفت: «اصفهان طی یک جهش قابل توجه، از رتبه بیست‌ودوم به جایگاه نخست و دوم کشور صعود کرده و توانسته تحولات مثبتی در این رشته رقم بزند».

رئیس فدراسیون بولینگ و بیلارد در ادامه اظهار کرد: «اتحاد و همدلی میان مسئولان و ورزشکاران در اصفهان، الگویی موفق برای سایر استان‌هاست. این هم‌افزایی نشان می‌دهد که با برنامه‌ریزی دقیق و حمایت‌های هدفمند، می‌توان جایگاه بولینگ و بیلارد ایران را در سطح بین‌المللی ارتقا داد».

امیرحسین صمدانی، رئیس هیأت بولینگ و بیلارد استان اصفهان نیز در این دیدار ضمن ارائه گزارشی از عملکرد این هیأت، خطاب به استاندار گفت: «این دیدار بسیار مهم و تحول‌ساز است. مطمئناً با حضور فعال استاندار و رئیس فدراسیون در فرایند برنامه‌ریزی، می‌توانیم در اجرای رویدادهای بزرگ، تاریخ‌ساز باشیم».

او همچنین بر لزوم برنامه‌ریزی برای اجرای طرح‌های متنوع با رویکرد تلفیقی گردشگری و ورزشی تأکید کرد و گفت: «با حمایت استانداری، فدراسیون و اداره کل ورزش و جوانان استان، می‌توان در مسیر رونق باشگاه‌ها و گسترش استفاده مردم شریف استان از امکانات ورزشی، گام‌های مؤثری برداشت».



برق ادارات پُرمصرف تهران قطع می‌شود

«کامبیز ناظریان» -مدیرعامل توزیع برق نیروی برق تهران بزرگ- گفت: بیش از ۱۲ درصد از مصرف برق پایتخت مربوط به ادارات است و دستگاه‌هایی که مصرف برق خود را کاهش ندهند مشمول قطع برق خواهند شد. همه مشترکان اداری شهر تهران موظفند در دوره گرم سال جاری، مصرف برق خود را در ساعات کاری نسبت به دوره مشابه سال گذشته، ۳۰ درصد و در ساعات غیر اداری تا ۶۰ درصد کاهش دهند.

وی به مشترکان اداری که اقدام به کاهش مصرف نکنند هشدار داد: با انجام تنظیمات جدید در کنتورهای هوشمند، در صورت عدم همکاری با قطع برق مواجه خواهند شد.

اقتصاد

دنیای سوادادار

چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۷

مسکن

آیا کمیسیون مسکن و عمران واقعاً حذف نشده است؟

تردید میان تمرکز و چابک‌سازی

حمید رشید

در روزگاری که بحران مسکن به یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های شهروندان بدل شده، تغییرات ساختاری در تصمیم‌سازی‌های دولتی با حساسیت ویژه‌ای دنبال می‌شود. خبر ادغام کمیسیون مسکن و عمران دولت در ساختاری تازه به‌نام کمیسیون زیرساخت، صنعت و محیط زیست، نخست با واکنش‌هایی مبنی بر «حذف کمیسیون مسکن» مواجه شد، اما در ادامه، مجید اخوان، رئیس مرکز ارتباطات وزارت راه و شهرسازی، تلاش کرد این نگرانی را رفع کند. اما آیا واقعاً چیزی حذف نشده؟ یا در قامت «چابک‌سازی»، شاهد نوعی پراکندگی و کاهش تمرکز در تصمیم‌سازی‌ها خواهیم بود؟

تمرکز یا تضعیف؟

اخوان در توضیح این مصوبه از چابک‌سازی، حذف موازی‌کاری و افزایش هم‌افزایی سخن می‌گوید؛ کلیدواژه‌هایی که اغلب در زبان دولت‌ها زمانی استفاده می‌شوند که بخشی در حال ادغام یا کنار گذاشته شدن است. این در حالی‌ست که در مدیریت حوزه‌هایی به‌شدت پیچیده، مانند مسکن، آنچه بیش از چابک‌سازی اهمیت دارد، «تمرکز تخصصی و هماهنگی اجرایی» است. مسکن تنها یک بُعد فنی یا زیرساختی ندارد؛ بلکه نیازمند نهاد مستقلی برای تصمیم‌سازی، تعامل میان‌وزارتی، تأمین مالی، ارزیابی اجتماعی و نظارت اجرایی است. ادغام با کمیسیون‌های دیگر شاید ظرفیت‌های بین‌بخشی را افزایش دهد، اما آیا به‌همان میزان باعث به‌حاشیه‌رفتن دستورکارهای خاص بخش مسکن نخواهد شد؟ به‌ویژه در شرایطی که هم‌زمان طرح‌های بزرگی مانند نهضت ملی مسکن در حال اجرا هستند و انتظارات عمومی از دولت در این حوزه رو به افزایش است.

حضور وزرای غیرمسکن‌محور چون وزیر دفاع، وزیر میراث فرهنگی، رئیس سازمان انرژی اتمی یا وزیر ارتباطات، بی‌شک ظرفیت‌هایی را وارد فرایند تصمیم‌گیری مسکن می‌کند. اما همین ترکیب‌نیز می‌تواند به‌عاملی برای «فقدان انسجام» تبدیل شود؛ به‌ویژه زمانی که مشخص نباشد کدام نهاد مسئول پیگیری نهایی پروژه‌هاست، یا چه سازوکاری برای اولویت‌بخشی به تصمیمات مرتبط با مسکن، در میان سایر موضوعات این کمیسیون عریض و طویل وجود دارد. به بیان دیگر، افزایش اعضا الزاماً به معنای افزایش کارایی نیست. گاهی هرچه میز تصمیم‌گیری بزرگ‌تر شود، صندلی مسئولیت‌پذیری خالی‌تر می‌ماند. این بیم وجود دارد که موضوع مسکن، در میان تصمیم‌گیری‌های صنعتی، محیط‌زیستی، کشاورزی، نظامی و فناوریانه گم شود یا با تأخیرهای نهادی مواجه شود.

از ساختار تا مسئولیت: یک خلأ نهادی دیگر؟

در شرایطی که مسکن نه تنها یک مطالبه عمومی بلکه یک بحران اقتصادی و اجتماعی جدی است، حذف نام «کمیسیون مسکن و عمران» از ساختار دولت -عنوانی چون ادغام- بار نمادین و رسانه‌ای سنگینی دارد. افکار عمومی و کارشناسان به درستی می‌پرسند: اگر مسکن همچنان اولویت دولت است، چرا کمیسیون مستقل آن نباید حفظ شود؟ همچنین این ادغام ممکن است به بوروکراتیزه‌شدن بیشتر فرایندهای مرتبط با ساخت، تخصیص زمین، بازآفرینی شهری یا حتی بررسی پروژه‌ها منجر شود. پیچیدگی روابط نهادی در ایران، که سال‌هاست یکی از عوامل اصلی کندی تصمیم‌گیری و تضاد میان وزارتخانه‌هاست، حالا ممکن است در این ساختار جدید هم خود را بازتولید کند.

ایده ادغام کمیسیون‌ها یا نهادهای تصمیم‌ساز در دولت‌های گذشته نیز تجربه شده است. از جمله در حوزه محیط‌زیست، شاهد بودیم که پس از انتقال برخی وظایف از سازمان جنگل‌ها یا حفاظت محیط‌زیست به سایر نهادها، تمرکز بر مسائل حیاتی کاهش یافت. در حوزه مسکن نیز تجربه سال‌های گذشته از تجمیع یا پراکندگی تصمیم‌گیری، بارها به کندی طرح‌های بزرگ ملی انجامیده است. اگر تجربه به ما چیزی آموخته باشد، آن است که هرچند نیت ادغام‌ها ممکن است «افزایش بهره‌وری» باشد، اما اگر بدون نظارت مؤثر، تعریف دقیق وظایف، ساختار پاسخ‌گویی و راهبرد اجرایی انجام شود، نتیجه آن چیزی جز آشفتگی نهادی، مسئولیت‌گریزی و کاهش کیفیت خدمات نخواهد بود.

آیا مسکن از اولویت خارج نشده؟

ادغام کمیسیون مسکن در ساختار گسترده‌تری مانند کمیسیون زیرساخت، صنعت و محیط زیست، بی‌تردید حامل پیام‌های متعددی است. از یکسو می‌توان آن را تلاشی برای هم‌افزایی میان حوزه‌های زیرساختی دانست،

اعلام مفقودی

سند کمپانی و سند راهنمایی رانندگی /برگه سبز مالکیت/ اتومبیل سواری ساینا مدل ۱۳۹۶ رنگ سفید روغنی شماره شاسی ۸۴۶۶۱۶۳ / M15 شماره موتور ۵۵۲۳۴۲۷۸ و NAS۸۳۱۱۰۰H۵۲۳۴۲۷۸ و شماره شناسایی VIN-IRPC۹۶۱۷۳E۲۷۳۴۲۷۸ و شماره انتظامی ۴۲۸۰۹۴۶۹۸۱ - ایران ۳۸ به مالکیت اینجانب مستان حیدری فرزند بهروز متولد اول تیرماه ۱۳۵۵ دارنده کدملی ۴۲۸۰۹۴۶۹۸۱ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می باشد.



اما از سوی دیگر، این حرکت می‌تواند نشانه‌ای باشد از روند خزانده و خطرناک زودن نگاه تخصصی و تمرکززدایی از یکی از بحران‌زده‌ترین حوزه‌های اجتماعی در ایران امروز: مسکن.

مسکن، برخلاف ظاهر فنی‌اش، فقط دیوار و سقف نیست. هر مترمربع آن، حامل لایه‌هایی از روابط طبقاتی، امید به ثبات، بازتولید اجتماعی، شأن انسانی و حتی مشروعیت سیاست‌گذار است. در شهری که هر ماه، یک خانواده از خانه‌اش رانده می‌شود یا برای ادامه آجاره‌نشینی ناچار به حذف سبد غذایی یا درمانی‌اش می‌شود، «تغییر ساختار کمیسیون» تنها یک تصمیم اداری نیست؛ بازتاب یک انتخاب ایدئولوژیک است. ایده‌ای که ممکن است ترجیح دهد بحران مسکن را در هیاهوی زیرساخت، صنعت و محیط زیست پنهان کند تا کمتر دیده شود و کمتر پاسخ بخواهد. شاید ادغام ساختاری، در ظاهر به معنای ارتقای همکاری باشد؛ اما بدون ساختار پاسخ‌گویی مستقل، بدون نهاد ناظر مشخص، و بدون اولویت‌گذاری روشن، مسکن در این هیأت جدید ممکن است صدایی در همه‌همه شود، بی‌آنکه کسی دقیقاً مسئول باشد اگر طرحی زمین بماند، خانه‌ای ساخته نشود، یا کودکی بی‌سرپناه شود. در سیستم‌هایی که بحران‌ها به‌سادگی در سایه ساختارها ناپدید می‌شوند، «حذف نام» گاه به مراتب پرمعناتر از حذف نهاد است.

در نهایت، این ادغام باید با یک پرسش بنیادین قضاوت شود: آیا مردم، به‌ویژه طبقات کم‌درآمد، از این تغییر سود خواهند برد؟ اگر پاسخ مبهم است، پس مسئله روشن است.

چابک‌سازی بدون تمرکز، یعنی دویدن بی‌مسیر. ساختار بدون پاسخ‌گویی، یعنی دیواری بدون در؛ و مسکن، اگر در دل تصمیم‌سازی‌ها خانه نداشته باشد، مردم در حاشیه‌نشینی هم مأوا نخواهند یافت. شاید این فقط یک تصمیم اداری نبوده باشد؛ بلکه شاید صدای در پستهای بود که بر روی رؤیای خانه‌دار شدن، به آرامی بسته شد.

تیم دسته‌دومی پاریس که توسط خانواده قدرتمند آرنو اداره می‌شود به لوشامپیونه صعود کرده است. این تیم تنها یک خیابان با پاری سن ژرمن فاصله دارد.

پاریس شهری که با وجود سرمایه‌گذاری قطری‌ها در سال ۲۰۱۱ میلادی، همچنان به تجمل، فرهنگ، تاریخ و نه به فوتبال شهره است، نخستین بار در این قرن میزبان یک داری در بالاترین سطح فوتبال فرانسه خواهد بود. این داری بین پاری سن ژرمن و پاریس افسی برگزار می‌شود. پاریس افسی ۴۶ سال است در بالاترین سطح فوتبال فرانسه نبود و آخرین بار در فصل ۱۹۷۹-۱۹۷۸ در لوشامپیونه حاضر بود. حالا تیم دوم پاریس نیز در بالاترین سطح لیگ فرانسه حضور خواهد داشت.



خارج از گود



نساجی و نبرد بقاء

نساجی مازندران در بدترین مقطع فصل باید با ترانکتوری دیدار نماید که قهرمانی خود را مسجل کرده و بدون استرس بازی خواهد کرد. شاگردان اسکوپچ برای بالا بردن امتیازات خود به هیچ عنوان قصد ندارند دیدار با نساجی را آسان گرفته و این موضوع شرایط را برای نماینده مازندران که باید برای زنده نگه داشتن روزنه‌های بقاء ابتدا ترانکتور را ببرد و آنگاه منتظر شکست مس باشد، سخت کرده و ذهنیت آنان را تحت الشعاع خود قرار داده است. نماینده مازندران در حالی با کسب بیست و هشت امتیاز احتمالی در لیگ باقی خواهد ماند که باید مس رفسنجان در دو دیدار انتهایی خود شکست بخورد. احتمالی که درصد وقوع آن تقریباً به صفر رسیده و تحت این شرایط باید نساجی را لیگ یکی تلقی کنیم.

آخرین نفس‌های هوادار

باید گفت هوادار تهران سقوط کننده قطعی لیگ بیست و چهارم است. درصد و شانس بقاء آنان آنقدر ضعیف است که نباید بدان توجه کرد. با این اوصاف باید گفت؛ هوادار آخرین نفس‌های خود را در لیگ برتر می‌کشد. نکته جالب درخصوص هوادار دیدار آنان با سپاهان و پرسپولیس در انتهای لیگ است. حریفان این تیم برای کسب سهمیه حساب ویژه‌ای روی امتیازات این دیدارها باز کرده‌اند. هوادار در انتهای نیم فصل نیز در مقابل این دو تیم متحمل شکستی سنگین شده بود.

گام به گام تا تعیین سرنوشت

دو هفته انتهایی لیگ برتر فوتبال ایران، قرار است همزمان برگزار شده تا عدالت و انصاف در کسب نتایج رعایت گردد. در این بین چند مسابقه لیگ بسیار تعیین کننده بوده و چند مسابقه دیگر تدارکاتی محسوب شده و بعضی از دیدارهای نیز تشریفاتی است و صرفاً رتبه چند تیم را جابجا خواهد کرد. با این حال باید گفت؛ تیم‌ها در هفته بیست و نهم گام به گام تا تعیین سرنوشت خود نود دقیقه جذاب را پشت سر خواهند گذاشت. در این بین دیدار ذوب آهن اصفهان با مس رفسنجان، ترانکتور با نساجی مازندران و هوادار با سپاهان سرنوشت تیم‌های سقوط کننده را تعیین خواهد نمود. آن طرف دو دیدار خیر خرم آباد با پرسپولیس و سپاهان با هوادار جنگ سهمیه محسوب می‌گردد. البته دربی خوزستان نیز شاید امیدهای یحیی گل محمدی را برای ایستادن در رتبه سوم زنده نگه دارد.

گام به گام تا تعیین سرنوشت

هفته بیست و نهم لیگ برتر زیر ذره بین «دنیای هوادار»؛

حسن صنعی پور

شامگاه پنجشنبه هجدهم اردیبهشت ماه، هشت دیدار همزمان از بیست و چهارمین دوره لیگ برتر فوتبال ایران برگزار خواهد شد و ضمن نمایان شدن بسیاری از ابهامات باقی مانده جدول رده بندی، سرنوشت چند تیم نیز برای فصل آینده مشخص می‌گردد. از طرفی تیم‌هایی چون سپاهان و پرسپولیس در جدالی نزدیک برای آسیایی شدن مقابل حریفان خود به میدان خواهند رفت. آن طرف باید منتظر سقوط اولین تیم به دسته اول فوتبال ایران باشیم. البته معادلات لیگ در این دو منطقه ممکن است تحت شرایطی تا هفته آخر لیگ مبهم و غیرقابل پیش‌بینی شده و جذابیت‌های آن تا انتهای لیگ نیز حفظ شود. در ادامه نگاهی به دیدارهای هفته بیست و نهم لیگ برتر و شرایط تیم‌ها خواهیم انداخت:

فولاد می‌خواهد سوم شود

فولاد خوزستان حداقل روی کاغذ پتانسیل قرارگرفتن در رتبه سوم را دارد. شاگردان یحیی گل محمدی برای اینکه شانس خود را در این مورد امتحان کنند، باید به مصاف استقلال خوزستان بروند. شهرآورد جذاب سرخابی‌های جنوب ایران که در دیدار رفت با تساوی بدون گل به پایان رسیده است. با این حال فولاد خوزستان که روند پیروزی‌های آنان از هفته بیست و چهارم مقابل سپاهان و گل‌گهر متوقف شد، تیمی شایسته نشان داده و لیاقت قرار گرفتن در رتبه برتر و کسب سهمیه را داراست. آن طرف استقلال خوزستان نیز که فصل را خوب شروع کرده بود قبل از اتمام نیم فصل به جمع میانه جدولی‌های لیگ پیوست و صرفاً به بقاء دلخوش بوده است.

تدارک دیگر آبی‌ها با مجتبی

آبی‌پوشان تهران که حالا جان تازه‌ای گرفته‌اند و قصد دارند رتبه نازل خود را در لیگ برتر با فتح جام حذفی جبران کنند، باید در دیداری تدارکاتی و البته حیثیتی به دیدار چادرملو اردکان بروند. این درحالی است که امتیازات این دو تیم در پایان هفته بیست و هشتم برابر بوده و بُرد هر یک می‌تواند حکم به صعود آنان به رتبه هفتم جدول «تحت شرایطی» بدهد. نکته دیگر اینکه چادرملو بعد از شکست ذوب آهن در هفته بیست و پنجم با سه تساوی به این دیدار رسیده است. اما استقلال بعد از چند تساوی ناامید کننده و شکست برابر ترانکتور و فولاد، آلومینیوم اراک را در آزادی گلباران کرده و قصد دارد در آخرین بازی خانگی‌اش هواداران خود را با خاطره خوش بدرقه نماید.

مس و سخت‌ترین بازی فصل

مس رفسنجان حتی با دو تساوی هم لیگ برتری باقی خواهند ماند. اما شاگردان سیروس پورموسوی قصد دارند در همین هفته بقای خود را در لیگ قطعی نمایند. اما آنان در سخت‌ترین و پُراسترس ترین بازی فصل خود به مصاف ذوب آهنی خواهند رفت که این تیم نیز در اندیشه رسیدن به رتبه ششم

در دل خروش سن‌سیرو، بارسا غرق شد؛

سونا می‌افعی

فرزاسندی

بعضی شب‌ها با سوت پایان، تمام نمی‌شوند؛ می‌مانند. حک می‌شوند. مثل یک فریم طلایی از یک فیلم تارکوفسکی. یا یک حرکت آهسته از بازی‌های قدیمی در نوار وی‌اچ‌اس. شبی که اینتر، در جهنم عاشقانه‌ی سن‌سیرو، بارسلونا را ۳-۴ شکست داد، یکی از آن شب‌ها بود؛ شبی که نه فقط فوتبال، بلکه حافظه‌ی جمعی تماشاگران دوباره معنا پیدا کرد.

همه‌چیز داشت طبق سناریویی پیش می‌رفت که انگار از دل یک فیلم تلخ ایتالیایی بیرون زده بود؛ همان قصه‌ی تکراری «قهرمان بدشانس». اینتر، درست مثل بازی رفت، با دو گل جلو افتاد. اما دوباره، انگار روح بازی رفت در اینتر حلول کرده بود: برتری آب رفت، زمین زیر پای نراتزوری خالی شد. تا اینکه دقیقه ۸۷ رسید؛ جایی که رافینیا با ضربه‌ای شاعرانه اما بی‌رحم، دروازه رو شکافت و برای چند لحظه، بارسا خودش رو در فینال دید. سکوتی غریب سن‌سیرو رو گرفت؛ سکوتی شبیه پلان آخر نوارهایی که قهرمان، گلوله خورده روی آسفالت افتاده و دوربین بالا با بالارفتن از او فاصله می‌گیرد... اما نه، این سینمای کلاسیک نیست. این نراتزوری ست. تیمی که با پوست و استخوانش بازی می‌کند؛ و در لحظه‌ای که همه تسلیم شده بودند، یک مدافع پا به سن گذاشته، فرانچسکو آچربی، مثل قهرمان‌های فیلم‌های وسترن، پا به محوطه جریمه گذاشت، گل تساوی رو زد و با مشت گره کرده فریاد زد: «ما هنوز اینجا هستیم!»

سن‌سیرو منفجر شد. اینتر زنده بود. بازی کشیده شد به وقت اضافه و جایی آن وسط، قهرمان خاموش این شب پیدا شد: مهدی طارمی! طارمی که در دقیقه ۷۱ بجای لائوتارو مارتینز به زمین آمده بود، انگار با مأموریت ویژه‌ای به زمین فرستاده شد. نه فقط دویید، نه فقط جنگید، بلکه در فاز دفاعی جلوی لامین یامال رو گرفت، ستاره‌ی ۱۶ ساله‌ای که تا آن لحظه یک تنه خط دفاع اینتر رو به هم ریخته بود. طارمی جلوی ستاره‌شدن یامال رو گرفت، و خودش شد کسی که بازی رو بُرد. اوج کارش جایی بود که در وقت اضافه، دقیقه ۹۹، با یک پاس طلایی، فراتزی رو در موقعیت گل قرار داد. همون فراتزی که مقابل بایرن هم ناجی شده بود، این بار هم زد؛ گل چهارم، گل مرگبار، گل بلیت فینال. طارمی بعد از بازی گفته: «یک شب فوق‌العاده بود، پر از هیجان. پاس گل دادم خیلی لذت‌بخش بود. هر بازیکنی آرزو دارد در همچنین بازی‌هایی حضور پیدا کند و من از همان لحظه ورودم هیجان‌زده بودم.» این حرف‌ها برای هواداران کافی نبود. برای ما، طارمی امشب نه فقط یک بازیکن، که یک پازل حیاتی در نقشه معجزه‌آمیز اینزاکو بود؛ و اینزاکو، ثابت کرد استاد بازی‌خوانی و برگرداندن ورق در بازی‌های مرگ و زندگی است. با تعویض‌هایش، با صبرش، با اعتقادش به فداکاری. جمله‌اش بعد از بازی، خلاصه‌ی این شب بود: «بدون فداکاری، هیچ نقشه‌ای جواب نمی‌دهد. این بچه‌ها فوق‌العاده بودند. حشون است که در فینال حضور پیدا کنند.»

و البته نمی‌شود درباره‌ی این نیمه‌نهایی جنون‌آمیز نوشت و از شب فوق‌العاده یان زومر نگفت. در دقایق پایانی، وقتی بارسا می‌خواست برای بار دوم از زیر خاکستر بلند شود، زومر با سیوهای مکررش مقابل یامال، دروازه اینتر را همچون قفل بانک سوئیس بست. آمار هم فریاد می‌زد که بارسا بهتر بوده: XG بالاتر، مالکیت بیشتر. اما چه کسی اهمیت می‌دهد؟ فوتبال با عدد بُرده نمی‌شود. تابلیو نتایج از واقعیتی ساده پرده برداشته است: تیمی که در دو بازی رفت و برگشت هفت گل دریافت می‌کند، شاید به لحاظ آماری خوب باشد، اما فوتبال آمار نیست. فوتبال درباره لحظات است. درباره فریاد آچربی، دوییدن طارمی، جهش زومر، و تعویض طلایی اینزاکو است. فوتبال با زخم، با بغض گلوئی هواداران و دوییدن‌های بی‌وقفه به ثمر می‌رسد. و حالا نراتزوری در فینال است. نه با تیکی‌تاکا، نه با آمار، بلکه با قلب. قرار است به مصاف آرسنال یا پاری سن ژرمن بروند. اما همین امشب، همین تصویر، همین صدا، برای هوادارانش مهم‌تر از هر جامی خواهد بود.

شب‌ی بود برای سینما. برای شاعرهایی که فوتبال می‌نویسند. برای کسانی که هنوز فکر می‌کنند فوتبال، همان جادوی کودکی‌ست که بدان پناه می‌برند. اینتر نه فقط بارسا را شکست داد؛ گذشته، شک، ترس، و منطق رو هم از پیش رو برداشت.



■ **سردبیر:** مهدی تیموری

■ **صاحب امتیاز و مدیرمسئول:** مهرداد تیموری

■ **صفحه آرا:** امیر بیات

■ **مدیر روابط عمومی:** مهسا تیموری

■ **تحریریه:** دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ **نشانی:** کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ **تلفن - نمابر:** ۳۴۴۹۹۲۵۵ **چاپ:** کهن



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴
شمارگان ۱۸۰۷

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان **ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی**، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد



۳۲ معدن طلا

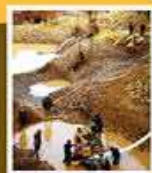
ایران بیش از ۳۲ معدن طلا دارد که تولید در آن ها به صورت فعال یا نیمه فعال انجام می شود

کشف بزرگترین معدن طلا

در سال ۱۴۰۳ کشف یک معدن بزرگ طلا در استان سیستان و بلوچستان اعلام شده است. ذخیره این معدن حدود ۲۴ میلیون تن طلا اعلام شده و قرار است برای ساخت کارخانه استحصال طلا با سرمایه گذاری ۴۰۰۰ میلیارد تومان اقدام شود.



بزرگترین معادن طلای ایران



معدن ساریگونی

استان کردستان

معدن طلا با ذخیره بیش از ۱۰ تن طلا.



معدن موته

استان اصفهان

ظرفیت تولید سالانه: حدود ۳۰۰ کیلوگرم طلا.



معدن آق دره

استان اصفهان

معدن طلا با ذخیره بیش از ۲۵ تن طلا.



معدن زرشوران

استان آذربایجان غربی

بزرگترین معدن طلای خاورمیانه با ذخیره بیش از ۱۱۰ تن طلا.

ظرفیت تولید سالانه: حدود ۳ تن شمش طلا.



بزرگترین کشورهای واردکننده طلا (میلیارد دلار)



سفری به دنیای زرد درخشان

از واردکنندگان بزرگ طلا تا بزرگترین معادن طلای ایران

